

# مقام حضرت عبدالبهاء

حضرت عبدالبهاء

اصلی فارسی



لوح رقم (130) امر و خلق - جلد 4

۱۳۰ - مقام حضرت عبدالبهاء

از حضرت عبدالبهاء است قوله اللطيف: "ای یاران الهی این عبد در حالت محو و فنا و محق و بینوا از دوستان در نهایت رجا استدعا مینماید که آنچه از قلم این مسجون صادر آنرا تابع و قائل و معتقد گردند غیر از آن کلمه ای بر لسان نرانند و نعت و ستایش نمایند و مقام و مرکزی نجویند و مدح و ثنائی نگویند و آن این است که اگر نفسی از مقام این عبد پرستش نماید جواب عبدالبهاء اگر معنی غصن استفسار کند جواب عبدالبهاء اگر معانی سدره غصن طلب نماید جواب عبدالبهاء اگر معانی فرعیّت منشعب خواهد جواب عبدالبهاء خلاصه بکلمه عبدالبهاء کلّ اکتفا کنند و بدون آن کلمه حتی کلمه غصن در تحریر و تقریر خویش بر زبان نرانند و از این کلمه بهیچوجه تجاوز نگرند و حرفی و گفتگوئی نشود"

و در خطابی از آن حضرت به محفل شور نیویورک است قوله العزیز: "در خصوص رجوع ثانوی حضرت مسیح مرقوم نموده بودید که در میان احبّاء اختلاف است سبحان الله بکرات و مرّات از قلم عبدالبهاء جاری و بنص صریح قاطع صادر که مقصود از نبوّات از ربّ الجنود و مسیح موعود جمال مبارک و حضرت اعلی است و باید عقائد کلّ مرکوز بر این نص صریح قاطع باشد اما نام من عبدالبهاء ذات من عبدالبهاء صفت من عبدالبهاء" و در سفر نامه امریکا قوله العزیز: "هر چه ما میگوئیم بنده خدا عبدالبهاء هستیم باز مردم ما را باسم پیمبر دینی میخوانند نوعی میشد که این القاب و اسامی را ترک میکردند خوب بود"



ORIGINAL

و در نطقی است قوله الجلیل: " من عبدالبهاء هستم جمیعاً باید باین بیان راضی گردند تا من از آنها راضی باشم .... بعد از جمال مبارک تا یوم ظهور ثانی مقام عبودیت محضه صرفه نه عبودیت تأویلی عبودیت حقیقی صرف بنده آستان باشیم "

و در نطقی در نیویورک قوله الجلیل: " جمال مبارک عهدی گرفتند ولی من موعود نیستم موعود جمال مبارک بعد از هزار سال یا هزاران سال است ولی عبدالبهاء مبین کتاب اوست "

و قوله المبین: " عبدالبهاء بنده آستان جمال مبارک است و مظهر عبودیت صرفه محضه درگاه کبریا دیگر نه شأنی دارد و نه مقامی و نه رتبه و نه اقتداری و هذه غایتی القصوی و جنتی المأوی و مسجدی الاقصی و سدرتی المنتهی ظهور کلّ مستقلّ بجمال مبارک ابری و حضرت اعلی مبشر جمال مبارک روحی لهما الفداء منتهی شد و تا هزار سال کلّ من فیض انواره یقتبسون و من بحر الطافه یغترفون " و در خطاب به محفل شور نیویورک قوله العزیز: " ای یاران الهی عبدالبهاء مظهر عبودیت است نه مسیح خادم عالم انسانی است نه رئیس مفقود است نه موجود فانی محض است نه باقی و از این مباحث نتیجه و ثمری نه بلکه باید با کلّ اینگونه مباحث و تناقضات را در کنار نهم بلکه فراموش کنیم و آنچه که امروز واجب و لازم است قیام نمائیم زیرا این مباحث لفظ است نه معانی مجاز است نه حقیقت واقع این است که کلّ متحد و متفق شده این عالم ظلمانی را روشن نمائیم و این عداوت و بیگانگی بین بشر را بنیاد براندازیم "

و قوله الاکید: " ای دو بنده الهی من در حقّ شما دعا نمائیم و بدرگاه احدیت جمال ابری بینهایت تضرّع و ابتهال کنم و عجز و نیاز نمائیم و طلب عفو و مغفرت کنم من بنده ذلیل حقیر جمال مبارکم و عبد ضعیف رقیق اسم اعظم اگر مرا به بندگی قبول فرماید عبد صادقم و اگر نفرماید عبد آبق این است مذهب و طریق و آئین من خدایا تو میدانی که اگر کسی ضربتی بر جگر من زند خوشتر آید از اینکه این تصریح را تأویل نماید خداوندا تو دانی که رگ و ریشه و اعضاء و جوارح و ارکان و جان و دل من از کلمه جز عبودیت جمال ابری میلزد و میسوزد خدایا تو شاهد باش که من از قاتل خود عفو نمائیم ولی از نفسی که کلمه غیر از عبودیت جمال قدم و رقیق اسم اعظم در حقّ من گوید نگذرم و او را از خود دور نمائیم ای خدا تو عفوئی و غفوری این دو نفس بیخ‌یالند غرضی ندارند ایشان را خطا عفو فرما و پیامرز و حفظ کن که من بعد کلمه جز رضای تو بر زبان نرانند تویی حافظ و مقتدر و توانا ع

این مکتوب بخطّ خود نوشتم که مبادا شبهه‌ای عارض شود ع